

محور و اولویت نخست کشور، صنعت است



- ◀ صنعت نساجی از تجارت چمدانی و واردات بی رویه پارچه، پوشاک و ... رنج می برد
- ◀ زمانی پنبه به عنوان مزیت نسبی محسوب می شد که متأسفانه این مزیت را به سادگی از دست داده ایم.
- ◀ در حال حاضر تسخیر بازار صنایع ایران توسط سایر کشورها ادامه دارد.

دکتر محمدعلی عامری - متولد ۱۳۳۰ - مهاباد اصفهان - دکترای اقتصاد دانشگاه آمریکا - عضو هیأت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران

صنعت نساجی را که اتفاقی وارد آن شده است و با علاقه و تلاش به فعالیت در آن ادامه می دهد؛ صنعت مادر و قدیمی ترین صنعت کشور می داند و معتقد است این انتظار وجود داشت که مانند سایر کشورهای صنعتی از طریق پیشرفت صنایع نساجی به توسعه و گسترش صنعتی دست یابیم که متأسفانه این انتظار به نتیجه مثبتی منتهی نشد.

در کنار صنعت نساجی، کارخانه تولید سیمان نیز راه اندازی کرده و به مقایسه جالبی میان این صنعت و نساجی می پردازد. دکتر عامری یادآور می شود که در صنعت سیمان یک مزیت نسبی وجود دارد که این مزیت امروزه در صنعت نساجی کمرنگ است و آن رقم مقرون به صرفه قیمت تمام شده سیمان است. در صنعت نساجی، زمانی پنبه به عنوان مزیت نسبی محسوب می شد که متأسفانه این مزیت را به سادگی از دست داده ایم. وی ادامه می دهد: در صنعت سیمان، تقریباً فروش ها قابل پیش بینی است و اتفاقات ناگهانی در این صنعت رخ نمی دهد اما در صنعت نساجی تصمیم گیری های ناگهانی و بدون دلیل، تولید را با مشکلات اساسی مواجه می سازد. در صنعت سیمان، صادرات به خصوص به کشورهای همسایه رونق خوبی دارد و توان رقابت با سایر کشورها را داریم در حالی که در صنعت نساجی به دلیل قیمت تمام شده بالا از این امتیاز بهره چندانی نمی بریم.

زمان بود که تحصیلاتم را در کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی (Master of Business Administration (M.B.A) ادامه دادم و در این رشته موفق به دریافت مدرک MBA از دانشکده ICMS (وابسته به دانشگاه هاروارد) شدم.

چگونه و با چه هدفی از یک رشته فنی و مهندسی وارد رشته اقتصاد شدید؟

واقعیت این است که دانش آموختگان رشته های فنی و مهندسی به استدلال منطقی و کار با اعداد و ارقام عادت می کنند و به همین دلیل اغلب در مسائل اقتصادی بسیار محتاط می شوند زیرا می خواهند با منطق و دلیل صد درصد اطمینان کسب کنند که انجام کاری برای آنها سودآور است یا خیر. طی دوران تحصیل متوجه این نکته شدم که داشتن تفکر منطقی، از نظر اقتصادی چندان مقرون به صرفه نیست مگر این که دوربینی وجود داشته باشد تا از طریق آن بتوان آینده را مورد مشاهده قرار داد. پس به این باور رسیدم که این دوربین، همان دوره MBA می باشد زیرا MBA برای هر رشته مهندسی یک دوره تکمیلی به منظور پرورش مدیران کارآمد برای اداره سازمان های اقتصادی - اجتماعی، تولیدی و خدماتی می باشد که هدف این دوره پذیرش فارغ التحصیلان

بیوگرافی و عمده تجربیات و خاطرات در دوران فعالیت در صنایع نساجی :

تا کلاس ششم ابتدایی در زادگاهم - شهر مهاباد اصفهان - به تحصیل پرداختم و سپس راهی تهران شدم. سال ۱۳۴۷ در کنکور چندین دانشگاه شرکت کردم و در سن ۱۷ سالگی تحصیلات دانشگاهی ام را در رشته برق و الکترونیک دانشکده فنی آغاز کردم. در ادامه موفق به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد همین رشته در دانشکده فنی تهران شدم. (سال ۱۳۵۲)

دوران خدمت سربازی را در نیروی دریایی سپری کردم و در ادامه به استخدام سازمان بنادر و کشتیرانی در آمدم. به این ترتیب به عنوان رییس اداره برق و الکترونیک یکی از تشکیلات بزرگ دولتی کشور، فعالیت حرفه ای خود را آغاز نمودم. در بخش برق و الکترونیک این سازمان، فعالیت تمام ایستگاه های فرستنده و گیرنده و رادار کشتی ها تحت نظر من قرار داشت. تعمیرات این سیستم ها پیش از انقلاب توسط متخصصین خارجی انجام می شد اما پس از پیروزی انقلاب و خروج آنها از کشور، جهت تربیت نیروی متخصص داخلی، جوانان توانمند و مستعد را برای آموزش به خارج از کشور اعزام کردیم و من نیز در بسیاری از دوره های آموزشی خارج از کشور حضور یافتیم. در همین

موازات فعالیت در صنعت نساجی، تجربه حضور در صنعت سیمان را هم دارم.

تحویل زمین کارخانه و آغاز ساخت و ساز مصادف با بروز جنگ تحمیلی و عدم ارائه ارز به واحدهای صنعتی بود. به همین دلیل زمانی که ارز در اختیار واحدهای صنعتی قرار نمی‌گرفت، وام بانکی نیز به صاحبان صنعت پرداخت نمی‌شد. بنابراین با تلاش و پیگیری به دنبال شریک و سرمایه گذاری بودیم تا کار ساخت و ساز کارخانه به اتمام برسد و به این ترتیب کارخانه خزر ریس راه اندازی شد

۱۱ سال در این شرکت به فعالیت خود ادامه دادم و به دلیل حضور در سازمان دولتی، از نظر قانونی اجازه نداشتم به عنوان مدیرعامل منصوب شوم بنابراین رییس هیات مدیره بودم اما اختیارات مدیرعامل هم در دست من بودم. آشنایی با دنیای ریسندگی موجب شد که به فکر تأسیس کارخانه مهاباد ریس بیفتم که کارخانه ای به مراتب پیشرفته تر از خزر ریس است. در ادامه متوجه شدم صنعت نساجی از تجارت چمدانی و واردات بی رویه پارچه، پوشاک و... رنج می‌برد لذا تصمیم گرفتم به اصطلاح جهت محکم کاری، سراغ صنعتی بروم که محصولات آن به دلیل وزن سنگین قابلیت حمل و نقل با چمدان و واردات غیرقانونی را نداشته باشد. کارخانه سیمان اردستان با این هدف در سال ۱۳۸۴ تأسیس و ظرف سه سال کارخانه احداث شد که به موازات فعالیت در مهاباد ریس در این کارخانه هم مشغول فعالیت شدم. لازم به ذکر است که مجتمع جدیدی به نام "مهاباد میلان" که یک مجتمع صنعتی (شامل واحد نساجی، سیمان، فولاد، برق و الکترونیک و...) می‌باشد در مرحله مطالعه و بررسی قرار دارد که امیدوارم به زودی این مجتمع صنعتی نیز وارد عرصه صنعت کشور و موجب ایجاد اشتغال برای جوانان شود.

چالش‌های برون سازمانی صنعت نساجی:

زمانی که صنعت نساجی نیازمند همیاری و مساعدت دولت است، حضور دولت کمرنگ است به عبارت دیگر دولت اگر بخواهد به عنوان متولی و سرپرست صنعت نساجی حرکتی انجام دهد، عملاً بسیار کمرنگ و غیرموثر است اما زمان دریافت مالیات، عوارض گمرکی و ... حضور بسیار پر رنگ و قابل توجه از خود نشان می‌دهد! در داستان‌های تاریخی روایت شده است اواخر سلسله صفویه که شاه سلطان حسین پادشاه ایران بود. به وی خطر هجوم افغانه را به ایران یادآور شدند اما وی به

را به فراموشی بسپارم. زیرا در هر حالی وطن اول من ایران و در درجه بعد زادگاهم مهاباد می‌باشد. با یاری خداوند تاکنون موفق به راه اندازی دو کارخانه "مهابادریس" و "سیمان اردستان" در شهر مهاباد شده‌ام و هنوز هم برنامه‌های متعددی برای پیشرفت و خدمت رسانی به این شهر در ذهن دارم.

پس از بازگشت به ایران در سازمان بنادر و کشتیرانی به فعالیت خود ادامه دادم و همزمان با کار دولتی کارخانه خزر ریس را در منطقه محروم سوادکوه راه‌اندازی کردم، سپس تجربیات ارزشمند این کارخانه را جمع آوری و در قالب تأسیس کارخانه مهاباد ریس به مرحله عمل درآوردم.

دلیل تأسیس کارخانه نساجی چه بود؟ آیا با این صنعت آشنایی قبلی داشتید؟

خیر هیچ شناختی از صنعت نساجی نداشتم. سال ۱۳۶۲ زمانی که در سازمان بنادر و کشتیرانی فعال بودم و به دلیل تحصیل در دوره MBA با مباحث صنعتی و اقتصادی آشنایی کامل داشتم، ضمن صحبت با همکاران، عنوان داشتم که در صورت وجود یک طرح صنعتی حاضرم منزل مسکونی خود را به فروش برسانم و وارد عرصه صنعت شوم. یکی از کارشناسان سازمان که به تعمیر رادار کشتی‌ها می‌پرداخت، به من مراجعه کرد و گفت که برادر همسرش موافقت اصولی تأسیس کارخانه نساجی را از وزارت صنایع دریافت کرده و جهت شروع فعالیت به دنبال شریک می‌باشد. از وی خواستم که یک جلسه توجیهی برگزار نماید تا با تمام جوانب این طرح به خوبی آشنا شوم. البته باید به این نکته اشاره کنم که به دلیل کار در یک سازمان دولتی عادت کرده بودم که حقوق ماهیانه را در موعد مقرر دریافت کنم و این امر تا حدودی موجب ایجاد روحیه محافظه کاری من در پرداختن به شغل دیگری می‌شد. به هر حال، جلسه توجیهی طرح برگزار شد و با علم به این که صنعت نساجی در ایران شناخته شده، قدیمی و دارای ریسک پائین‌تر نسبت به سایر صنایع است، وارد صنعت نساجی شدم و پس از مدتی سایر سهامداران درخواست کردند که مدیریت تمام پروژه کارخانه خزر ریس را برعهده بگیرم. پس از خریداری و نصب ماشین‌آلات و کسب اطمینان خاطر از این که کارخانه به حیات خود ادامه می‌دهد و موفق خواهد بود، از سازمان بنادر و کشتیرانی استعفا دادم و از آن تاریخ تا امروز در صنعت نساجی به کار ادامه می‌دهم. البته به

دوره‌های کارشناسی در رشته‌های مختلف به‌خصوص رشته‌های فنی و مهندسی و پرورش افرادی است که قادر باشند در زمینه‌هایی مانند اداره و راهبری مؤثر و کارآمد سازمان‌های بخش تخصصی از آن نظیر بخش‌های تولیدی، بازاریابی و فروش، اطلاعات و مالی، ایجاد تحول در بخش تخصصی سازمان، طراحی، هدایت و رهبری تحول در کل سازمان پس از کسب تجارت علمی و عملی در مدیریت، کارآفرینی با ایجاد فعالیت‌های جدید در درون سازمان و یا ایجاد سازمان‌های جدید، ارائه خدمات مشاوره‌ای و مطالعاتی در زمینه‌های مزبور به مدیران سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی به فعالیت بپردازند. نکته دیگر، افرادی که در این دوره پذیرفته می‌شوند، باید حداقل دوره کارشناسی را در یکی از رشته‌های دانشگاهی گذرانده و با حوزه تخصصی دوره کارشناسی آشنایی پیدا کرده باشند. این افراد پس از فرا گرفتن دانش مدیریت و تمرین مهارت‌های مدیریتی در این دوره (مدیریت سازمان)، نیروهای ارزنده‌ای خواهند شد که می‌توانند با ترکیب دانش تخصصی و مدیریتی خود در جهت تحقق هدف‌های بالا نقش مهمی در بهبود مدیریت جامعه ایفا نمایند. مسأله مهم دیگر این که پیش از تحصیل در MBA، شهادت تصمیم‌گیری سریع را نداشتم اما پس از آشنایی با مباحث این دوره به خوبی توانستم تصمیمات سریع، قاطع و صحیح اتخاذ نمایم و هم به تجزیه و تحلیل مباحث اقتصادی و مدیریتی بپردازم. ضمن این که تردید در تصمیم‌گیری و مشاوره پراکنده با دیگران نیز

زمانی که صنعت نساجی نیازمند همیاری و مساعدت دولت است، حضور دولت کمرنگ است به عبارت دیگر دولت اگر بخواهد به عنوان متولی و سرپرست صنعت نساجی حرکتی انجام دهد، عملاً بسیار کمرنگ و غیرموثر است اما زمان دریافت مالیات، عوارض گمرکی و ... حضور بسیار پر رنگ و قابل توجه از خود نشان می‌دهد!

به حداقل خود رسید. پس از اتمام دوره MBA نیز تحصیلاتم را در دکترای اقتصاد ادامه دادم.

پس از اتمام تحصیلات با پیشنهادات قابل توجه بسیاری از شرکت‌های بین المللی نفتی خاورمیانه مواجه شدم اما عشق و علاقه به خدمت در ایران موجب شد تمام این پیشنهادات با حقوق‌های کلان

این اخبار توجهی نشان نمی‌داد و معتقد بود " فعلاً که افغانه نزدیک تهران نیستند و ما حریف آنها می‌شویم." این بی توجهی‌ها تا جایی ادامه داشت که موجب حمله افغان‌ها به اصفهان و خلع سلطنت شاه سلطان حسین شد. امروز نیز جنگ صنعتی آغاز شده است. یعنی هر کشوری که می‌تواند صنعت خود را تقویت کند به قصد تسخیر آن صنعت در کشور خود و مسخر کردن کشورهای دیگر اقدام می‌کند بنابراین این صنایع کشورهای دیگر با عزم راسخ، بازار کشور ما را تسخیر کرده و می‌کنند. در حالی که دولت باید به تقویت صنایعی مانند نساجی که دارای مزیت نسبی بود، می‌پرداخت و در مرحله بعدی به تسخیر بازار منسوجات کشورهای همسایه می‌پرداخت. متأسفانه در حال حاضر تسخیر بازار صنایع کشور توسط سایر کشورها ادامه دارد و این امر به صنعت نساجی محدود نمی‌شود تا جایی که اگر شرایط بهتری هم در این صنعت به دست آوریم، دیگر نمی‌توانیم آنها را از بازار داخلی خارج کنیم چه برسد به این که بازارشان را در کشورهای دیگر به انحصار درآوریم!

چند سال پیش، سازمان یونیدو (سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد- UNIDO) علت عقب‌ماندگی صنایع کشور را در مقایسه با کشورهای همسایه مانند ترکیه و پاکستان مورد بررسی و مطالعه قرار داد. بنابر مطالعات یونیدو نخستین دلیل این بود که ۹۴ درصد شرکت‌های ایرانی کوچک (Micro) هستند. یک شرکت کوچک نمی‌تواند اقتصاد دان توانمند، سیستم حسابداری مدرن، بخش صادرات و بازرگانی گسترده داشته باشد. پیش از انقلاب، برادران لاجوردی صاحب یک تشکیلات بزرگ صنعتی در صنایع مختلف از تولید، تأمین مواد اولیه، صادرات و ... بودند که عملکرد فوق العاده قدرتمندانه و کم نظیری در صنایع کشور داشتند. رقم بندی پنبه تا پیش از فعالیت گروه لاجوردی‌ها در ایران وجود نداشت و این اقدام توسط مدیران این گروه انجام و در تاریخ صنعت نساجی ایران به یادگار ماند. دامنه پیشرفت و توسعه اصولی گروه لاجوردی‌ها به نحوی بود که بسیاری از مهندسين و متخصصین گرانسنگ و ارزشمند امروز صنعت نساجی، دست پرورده و آموزش دیده این گروه صنعتی هستند.

متأسفانه به دلایل متعدد امکانات احداث، به وجود آمدن و توسعه به قصد شرکت‌های بزرگ در کشور محدود است و بسیاری از سرمایه گذاران یا نمی‌توانند و یا شهامت راه اندازی شرکت‌های

بزرگ را ندارند. مطلب بعد این که بخش مهمی از صنعت نساجی با مسائل هنری آمیخته شده است که مانند لوکوموتیو، واحدهای ریسندگی و بافندگی را دنبال خود می‌کشد. جای تأسف است که هنرمند در ایران بسیار مظلوم واقع شده است و مورد حمایت دولت و یا شرکت‌های بزرگ بخش خصوصی قرار ندارد. برخی از هنرها مانند آواز پس از فوت خواننده آن با استفاده از تکنولوژی‌های امروز ضبط و ثبت می‌شود اما زمانی که هنرمند طراح پارچه و لباس فوت می‌کند، تمام هنر، ذوق و سلیقه وی نیز مدفون می‌شود و مرجع و نهادی وجود ندارد که این هنر را حفظ و به نسل‌های بعدی منتقل نماید. لذا باید به زمینه سازی رشد و شکوفایی استعدادهای هنرمندان این مرز و بوم باشیم. مطلب مورد اشاره دیگر در مورد ماشین‌آلات و دستگاه‌های صنعت نساجی است. همان طور که می‌دانید کشور انگلستان مهد صنعت نساجی بود اما کشورهایی مانند ایتالیا، فرانسه به شدت از آن سبقت گرفته اند. مهمترین دلیل این است که تولیدکنندگان صنایع نساجی فرانسه و ایتالیا در مقایسه با انگلیس، به مقوله مد توجه بیشتری نشان دادند. بنابر این نقش مد در دنیای امروز نساجی غیرقابل انکار می‌باشد.

یکی از مشکلاتی که امسال در صنعت نساجی از سوی دولت به واحدهای نساجی تحمیل شد، ممنوعیت واردات پنبه بود. دولت چین در اول سال زراعی برای واحدهای نساجی خود اقدام به پیش خرید و سپس خرید انبوه کرد. به این ترتیب هم مشمول تخفیفات خوبی از سوی فروشندگان پنبه شد و هم خیال تولیدکنندگان را بابت تهیه و تأمین پنبه آسوده کرد این در حالی بود که دولت ایران واردات پنبه را ممنوع اعلام کرد و زمانی اجازه واردات مجدد صادر شد که تمام پنبه‌های مرغوب در بازار جهانی به فروش رفته و قیمت پنبه نیز چندبرابر شده بود! هیچ نهاد و مسئولی نیز مقصر این خسارت و ضربه بزرگ به واحدهای ریسندگی را مورد بازخواست و پاسخگویی قرار نداد. این اقدام برای وجدان‌های بیدار صنایع نساجی و حتی برای کسانی که ذی نفع نیستند، دردآور و غیرقابل توجیه است.

چالش‌های درون سازمانی صنعت نساجی:

مسائل مالی و کمبود نقدینگی عموم واحدهای نساجی باعث می‌شود که توان شرکت‌ها در جذب و استخدام متخصصین امور فنی، بازرگانی، صادراتی و

تکنولوژیکی کاهش یابد و به تبع نتوانند به پیشرفت و توسعه قابل توجهی در بازار دست یابند. از سوی دیگر در بخش فنی و تکنولوژیک، اکثر کارشناسان معتقدند که دلیل قیمت ارزان محصولات چینی، ارزان بودن حقوق و دستمزد نیروی کار است که لازم می‌دانم این موضوع را در واحدهای ریسندگی به شدت رد کنم زیرا در ماشین آلات و دستگاه‌های امروز صنعت نساجی نقش کارگر و اپراتور روز به روز کمتر می‌شود و به همین دلیل مسأله حقوق کارگران ایرانی و چینی دلیل قیمت تمام شده بسیار بالا و غیرمنطقی محصولات ما نیست بلکه برای مثال فعلاً حدود ۸۰ درصد قیمت نخ به مواد اولیه مرتبط است. ارقام سنگین قیمت مواد اولیه مانند پنبه برای واحدهای نساجی کمرشکن و غیرقابل تحمل است نه میزان حقوق و دستمزد کارگر. نکته این جاست که دولت چین ۸۰ درصد قیمت مواد اولیه را با تدابیر مناسب و صحیح مانند خرید انبوه پنبه، مدیریت می‌نماید اما در ایران، واردات مواد اولیه یک صنعت بدون دلیل منطقی ممنوع اعلام می‌شود و قیمت تمام شده منسوجات ایرانی به طور سرسام آور بالا می‌رود و غیرقابل رقابت می‌شود.

واقعیت دیگر این که نخستین دغدغه امروز مدیران و کارخانه داران کشور مباحث مالی، اقتصادی و همچنین مسائلی است که دولت ناخواسته به وجود می‌آورد. به همین دلیل شور و هیجان صنعتی در کشور از بین می‌رود و منجر به ابتکار، نوآوری و سرمایه گذاری‌های جدید نمی‌شود.

دولت چین ۸۰ درصد قیمت مواد اولیه را با تدابیر مناسب و صحیح مانند خرید انبوه پنبه، مدیریت می‌نماید اما در ایران، واردات مواد اولیه یک صنعت بدون دلیل منطقی ممنوع اعلام می‌شود و قیمت تمام شده منسوجات ایرانی به طور سرسام آور بالا می‌رود و غیر قابل رقابت می‌شود.

همان طور که اشاره کردید، به موازات فعالیت در رشته نساجی، در صنعت سیمان نیز فعالیت دارید؛ ممکن است میان این وضعیت تولید، صادرات، حجم اشتغال و ... این دو شاخه صنعتی مقایسه ای انجام دهید؟

سوال جالبی است. نیروی انسانی یک کارخانه

تحمیل کرد. زمانی هم واردات پنبه را آزاد اعلام کرد که فصل خرید پنبه سپری شده بود و

ذکر یک جمله در موارد زیر:

صنعت نساجی: صنعت مادر و قدیمی‌ترین صنعت کشور. این انتظار وجود داشت که مانند سایر کشورهای صنعتی از طریق پیشرفت صنایع نساجی به توسعه و گسترش صنعتی دست یابیم که متأسفانه این انتظار به نتیجه مثبتی منتهی نشد. **چرا نساج شدن:** در مسیر زندگی و بسیار اتفاقی! **جهانی شدن:** دغدغه همیشگی ام است زیرا اعتقاد دارم در صورت عدم توجه به این امر از سایر کشورها عقب خواهیم ماند.

هدفمندسازی یارانه‌ها: طرحی بسیار خوب البته مشروط بر مدیریت صحیح و اجرای موثر. **قوانین و مقررات مزاحم دولتی:** درصد قابل ملاحظه‌ای از موانع رشد و پیشرفت صنعت و اقتصاد کشور را شامل می‌شود.

ماهنامه نساجی امروز: یک مجله مفید. در مصاحبه‌هایی که انجام می‌دهید افراد بخش قابل توجهی از تجارب و آموخته‌های خود را به خوانندگان انتقال می‌دهند به خصوص افرادی که در زمینه صنعت و اقتصاد موفق هستند و تجارب بسیار ارزشمند خود را به جوانان منتقل می‌کنند؛ تجاربی که اگر مورد مصاحبه و مستندسازی نساجی امروز قرار نگیرد، منتقل نمی‌شود.

اگر شما دریکی از موقعیت‌های زیر بودید؛ چه برنامه ای برای صنعت نساجی داشتید؟

رییس جمهور: اعلام می‌کردم که محور و اولویت نخست کشور، صنعت است زیرا صنعت در ارتقای سلامت جامعه، افزایش میزان اشتغال و به طور کلی پیشرفت کشور نقش غیرقابل انکار دارد بنابراین تلاش می‌کردم تا عملکرد تمام وزارتخانه‌ها حول محور توجه به صنعت قرار گیرد.

وزیر صنایع و معادن: اختیارات بیشتری را از هیأت وزیران می‌گرفتم تا بتوانم موجب شکوفایی صنعت کشور شوم اگر این اختیار به من واگذار نمی‌شد؛ شغل وزارت را رها می‌کردم.

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری: با انجام راهکارهای اساسی در دانشگاه‌ها تلاش می‌کردم تا زبان انگلیسی دانشجویان تقویت شود زیرا یکی از موانع اصلی رشد مهندسين و متخصصین ما عدم تسلط به زبان انگلیسی است.

همسایه رونق خوبی دارد و توان رقابت با سایر کشورها را داریم در حالی که در صنعت نساجی به دلیل قیمت تمام شده بالا از این امتیاز بهره‌چندانی نمی‌بریم. به اعتقاد من، صادرات نساجی را دولت ناخواسته منتفی کرد زیرا دولت ترکیه برای واردات هر کیلوگرم پنبه فقط یک سنت از واردکننده عوارض گمرکی دریافت می‌کند در حالی که ارقام مربوط به حقوق و عوارض گمرکی واردات پنبه به ایران بسیار بزرگ است به همین دلیل رقابت پذیری خود را از دست داده ایم و توان رقابت با کشورهای همسایه را نداریم.

در حال حاضر وضعیت جهانی تولید پنبه چگونه است؟

در سال زراعی جاری یعنی اول فصل پنبه اتفاقاتی در دنیا رخ داد که دولت ما آن را مورد مطالعه قرار نداد اما دولت‌های دیگر مطالعه کردند و به کمک صنایع نساجی شناختند. از نظر میزان دوک نصب شده ریسندگی، چین با ۱۰۰ میلیون دوک بزرگترین کشور محسوب می‌شود و پس از آن هند (حدود ۴۵ میلیون دوک نصب شده) و پاکستان (حدود ۱۲ میلیون دوک نصب شده) قرار دارند. در سال زراعی گذشته، دولت چین ماشین آلات قدیمی و کلفت ریس که میزان مصرف برق آنها بسیار بالا بود را از دور خارج کرد. سپس بخش قابل توجهی از زمین‌های کشت پنبه را به کشت مواد غذایی جهت تأمین غذای جمعیت فراوان خود قرار داد به همین دلیل تولید پنبه در چین با کاهش قابل توجهی مواجه شد. از سوی دیگر به دلیل جاری شدن سیل و زیر آب رفتن مزارع کشت پنبه در پاکستان، (معادل ۳ میلیون عدل و ۶۰۰ هزار تن پنبه) موجب شد ذخایر پنبه دنیا که همیشه بین ۱۰ تا ۱۲ میلیون تن است در پایان فصل حدود ۳/۵ میلیون تن از ذخایر استفاده شد که موجب افزایش ناگهانی قیمت پنبه گردید. کارخانجات از این مسأله چند صدمه دیدند. اول این که سال گذشته اگر یک کارخانه ریسندگی تصمیم داشت هزار تن پنبه داشته باشد با رقمی حدود یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان می‌توانست هزار تن پنبه داشته باشد اما امروز با یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان حدود ۳۰۰ تن پنبه می‌تواند داشته باشد. دقیقاً در این بحبوحه، دولت ایران واردات پنبه را ممنوع اعلام و مشکل بزرگی را بر انبوه مشکلات کارخانجات ریسندگی

سیمان با سرمایه گذاری حدود ۱۳۰ میلیارد تومان، برابر با سرمایه کمتر از ۲۰ میلیارد تومان یک کارخانه نساجی است. کیفیت ماشین آلات و تجهیزات یک کارخانه نساجی پس از ۱۵ سال به تدریج کاهش می‌یابد در حالی که تجهیزات صنعت سیمان دوام و عمر به مراتب بیشتری از ۱۵ سال دارند (بالغ بر ۵۰ سال) اصولاً از نظر قطعات یدکی مورد نیاز، صنعت نساجی به قطعات زیادی نیاز دارد و همچنین به دلیل سرعت بالای ماشین آلات، استهلاک و نیاز به قطعات یدکی خارجی بسیار بالاست در حالی که سرعت ماشین آلات صنعت سیمان چندان بالا نیست و بسیاری از قطعات یدکی آن ساخت داخل می‌باشد. مسأله بعد این که به دلیل سنگینی وزن بسته‌های سیمان، قاچاق آن مقرون به صرفه نبوده و غیرممکن است البته زمانی که با کمبود تولید سیمان در کشور مواجه بودیم، این محصول از سایر کشورها وارد می‌شد اما امروز با توسعه و گسترش واحدهای تولید سیمان، نیاز به واردات از بین رفته است. این در حالی است که واردات غیرقانونی، قاچاق و چمدانی منسوجات یکی از معضلات صنعت نساجی و پوشاک کشور محسوب می‌شود. در صنعت سیمان یک مزیت نسبی وجود دارد که این مزیت امروزه در صنعت نساجی کمرنگ است و آن رقم مقرون به صرفه قیمت تمام شده سیمان است. در صنعت نساجی، زمانی پنبه به عنوان مزیت نسبی محسوب می‌شد که متأسفانه این مزیت را به

**مسائل مالی و کمبود نقدینگی
عموم واحدهای نساجی باعث
می‌شود که توان شرکت‌ها در
جذب و استخدام متخصصین
امور فنی، بازرگانی، صادراتی و
تکنولوژیکی کاهش یابد و به تبع
نتوانند به پیشرفت و توسعه قابل
توجهی در بازار دست یابند.**

سادگی از دست داده ایم. در صنعت سیمان، تقریباً فروش‌ها قابل پیش بینی است و اتفاقات ناگهانی در این صنعت رخ نمی‌دهد اما در صنعت نساجی تصمیم‌گیری‌های ناگهانی و بدون دلیل، تولید را با مشکلات اساسی مواجه می‌سازد. در صنعت سیمان، صادرات به خصوص به کشورهای